

پیرامون سفر هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران:

برجنون جنایت و خودکامگی رژیم باید لگام زد!

* علیرغم تلاش رژیم در به تعویق انداختن سفر "هیئت نمایندگی" به ایران، این هیئت روز ۳۰ دی ماه وارد تهران شد.

اجلاسی از سازمان ملل است که روز ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) صورت خواهد گرفت. انگیزه دیگر، جابه جایی زندانیان و کارهای مقدماتی در جهت زمینه چینی‌های فریبکارانه برای بازدید این هیئت از زندان‌ها بوده است. هرچند که تا کنون "جابه جایی‌های ضرور" در زندان‌ها صورت گرفته و زمینه‌ها آن گونه فراهم شده است که رژیم از گزارش آتی هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل کمترین زیان را متحمل بقیه در صحنه ۳

علیرغم مقاومت‌ها و کارشکنی‌های مقامات رژیم، هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، روز شنبه ۳۰ دی ماه به منظور رسیدگی به تخلفات جمهوری اسلامی در هر صه حقوق بشر و تهیه گزارشی از موارد نقض حقوق بشر در ایران، وارد تهران شد. جمهوری اسلامی کوشش بسیار به کار برد تا سفر این هیئت به ایران را به تعویق اندازد. در راس انگیزه‌های رژیم در به عقب انداختن سفر هیئت مزبور، مطرح نشدن گزارش ایران در

نامه مشترک

* حزب دمکرات کردستان ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
* حزب دمکراتیک مردم ایران

به بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

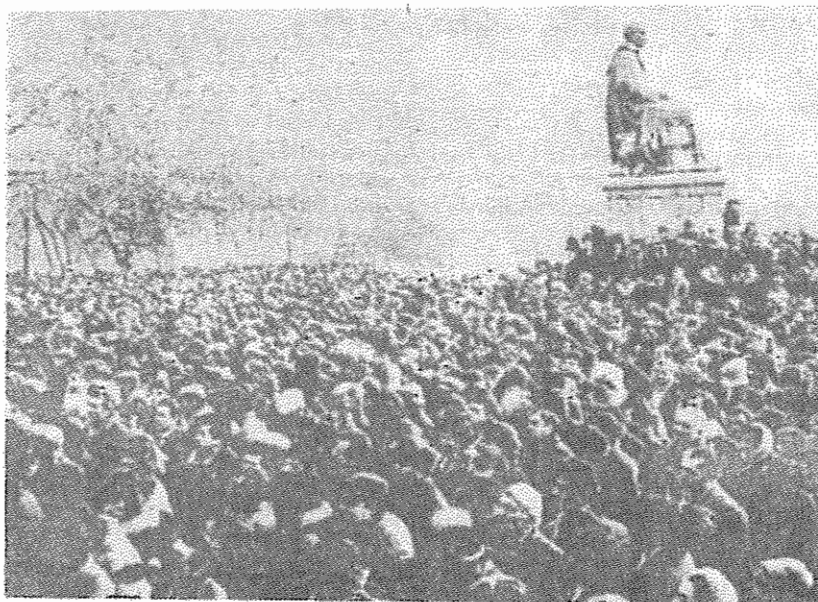
در صفحه ۲

جمهوری‌های قفقاز، در خطر یک جنگ داخلی

کنترل اوضاع در باکو از روز ۲۰ ژانویه محررات منع عبور و مرور شبانه برقرار کرده است. میخائیل گارباجف طی پیامی مردم دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان را به آرامش دعوت کرد.

بقیه در صفحه ۷

اوضاع در جمهوری‌های شوروی آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در هفته گذشته بیش از پیش متشنج شد. در مناطق متعددی گاربه درگیری مسلحانه کشید. شورای عالی اتحاد شوروی بخاطر جلوگیری از جنگ داخلی و ادامه حمله ناسیونالیست‌های افراطی آذری به ارمنه و



تظاهرات ۴۰۰ هزار نفره مردم ایروان علیه کشتار ارمنه در آذربایجان

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲ بهمن ۱۳۶۸ برابر با ۲۲ ژانویه ۱۹۹۰
پماه ۶۰ ریال سال ششم شماره ۲۹۰

منتقدان ولایت مطلقه فقیه در معرض تصفیه و سرکوب

این روزها، تلاش تبلیغاتی سران رژیم برای نمایش همخوانی و وحدت، و مهار تنش‌های جناحی، اوج تازه‌ای گرفته است. انگیزه و در همین حال محمل تشدید این تبلیغات، مقابله با افشاگری‌های اخیر آیت‌اله منتظری است. مطبوعات حکومتی ضمن انعکاس مراتب تبعیت جناح‌های حاکمه از خامنه‌ای، مشغول از حملات تلویشی و بعضا آشکار، علیه آیت‌اله منتظری است.

به رقم ادعاهای مزورانه مسئولین حکومتی مبنی بر مجاز بودن مطبوعات در درج انتقاد، هیچیک از روزنامه‌های رژیم اجازه درج و یا نقل انتقادات منتظری را نیافته‌اند. آنچه که بی‌مضایقه و به تفصیل در مطبوعات رژیم نقش بسته، تخطئه یکجانبه و غیر مستند اظهارات اوست.

روزنامه ابرار بنقل از سید محمد سعیدی، سخنان اصلی تظاهرات فرمایشی قم علیه منتظری، مخالفت او را با ولایت امری خامنه‌ای محکوم کرده و تاکید کرده است که اظهارات منتظری در ضدیت با منویات خمینی است. افشاگری اخیر آیت‌اله منتظری علیه خودکامگی بقیه در صفحه ۶

در این شماره

* نظری به مواضع

آقای حسن نزه پیرامون مساله آذربایجان

در صفحه ۹

* قلم شما در خدمت ارباب زور و زور و تزویر است

در صفحه ۸

* حاکمیت فقها از زبان آمار

در صفحه ۵

* واقعیت،

بصلاحت، قلب رژیم را نشانده رفته است

در صفحه ۱۰

نامه مشترک

* حزب دمکرات کردستان ایران
* سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
* حزب دمکراتیک مردم ایران

به بازرس ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

بهمناسبت پذیرش مسافرت هیئتی از سازمان ملل متحد بوسیله رژیم جمهوری اسلامی که بمنظور رسیدگی به نقض حقوق بشر در ایران بعمل خواهد آمد، سازمانهای سیاسی زیر توجه شما را به مراتب زیر جلب می‌کنند:

رژیم استبدادی حاکم در ایران مدت ده سال است هلاکيه حقوق انسانی مردم ایران را با منتهای خشونت و بی‌اهتتایی زیر پا گذاشته و هر بار که در این زمینه مورد اعتراض سازمانها و محافل بین‌المللی قرار گرفته عکس‌العملی جز مسخره، توهین و خوار شمردن اعلامیه حقوق بشر از خود نشان نداده است.

هم‌اکنون با وجود تعهد و موافقت ظاهری جمهوری اسلامی با اعرام هیئتی از سوی کمیسیون حقوق بشر که مسلماً تحت فشار سازمانها، محافل و شخصیت‌های بین‌المللی صورت گرفته است سوئيات باطنی رژیم، مقاصد تاکتیکی، به‌منظور بهره‌برداری تبلیغاتی در داخل و خارج برای حفظ آبروی خود و تظاهر به سیاست خارجی مسالمت‌جویانه به شکل بارزی متجلی میگردد. با این حال و به موازات آن روزنامه‌ها و رسانه‌های جمعی که بلندگویان رسمی رژیم به حساب می‌آیند با حملات همه‌جانبه به هیئت اعرامی در آستانه حرکت او به ایران از حقوق بشر بعنوان فریبی که منعکس‌کننده تمایلات استکبار جهانی و توطئه امپریالیستی می‌باشد یاد می‌کنند.

اقدامات ضد بشری حکومت اسلامی در این مدت ده سال از قبیل زیر پا گذاشتن ابتدایی‌ترین حقوق انسانها، ترور مخالفان، تحمیل به جنگ برادر کشی در کردستان، شکنجه‌های جسمی و روحی زندانیان سیاسی و اعدام‌های بدون محاکمه و سریع دهها هزار نفر، بویژه برای کمیسیون حقوق بشر بقدری روشن و واضح است که مازابی نیاز از ارائه هرگونه آمار و موارد مشخص بی‌شمار می‌کند. اما یک مورد استثنایی وجود دارد که باید با تاکید خاصی خاطر نشان گردد و آن قتل‌عام بیرحمانه سال گذشته زندانیان سیاسی و دین آنها در مزارهای دسته جمعی است که بعنوان "خانه تکانی" و "فرمان" و "ولایت فقیه" بدون محاکمه، تنها با تشخیص صوری سه آخوند بی‌صلاحیت در کلیه زندانهای ایران صورت گرفته است. از دستگیری اقلب این زندانیان بیش از ۶ سال می‌گذشت و در بین آنها افرادی وجود داشتند که یا دوره محکومیت فرمایشی خود را تمام کرده و یا مدت کمی از آن باقی‌مانده بود. در مورد این زندانیان توهین، تحقیر، زجر و شکنجه، چشمان بسته شبانه روزی بدمت دراز، تغذیه ناکافی و غیر بهداشتی، ضرب و شتم و سایر اعمال غیر انسانی بطور مداوم و در مقیاس وسیعی اعمال گردیده است. هزار جمعی این قربانیان در نقاط مختلف شتاخته شده‌اند که حتی بازماندگان نزدیک آنها اجازه نزدیک شدن به مزار راندارند.

به عقیده ما یکی از دلایل موافقت اجباری رژیم با اعرام هیئتی از سازمان ملل متحد برای بازدید زندانها علاوه بر هرگونه نیت هوام فریبانه پلیدی که گردانندگان حکومت در سر داشته باشند اطمینان خاطر آنها و لا از "خلوت" ساختن زندانهای سراسر کشور از افراد مقاوم بوسیله قتل و هام‌اخیر ثانیاً به خیال خود چشم زهر گرفتن مطلوب از باقیماندگان متناصري است که تحت فشار شکنجه‌های هولناک قرون و سطایی آنها را مجبور به اطاعت کرده‌اند که در این راستا گروه‌هایی از زندانیان سیاسی زن که تحت فشار افکار همومی ظاهراً اعدام نشده‌اند و هر لحظه در انتظار مرگ می‌باشند هنوز وضع نامعلوم می‌دارند.

ما سازمانهای سیاسی امضاءکننده که از نزدیک به چگونگی و نحوه عمل رژیم مذهبی - فاشیستی جمهوری اسلامی آشنا هستیم اطمینان داریم که آنها با توسل به شیوه‌ها و ترندهای آخوندی خود مانند دروغ، تزویر، ریا، نیرنگ، صحنه‌سازی و هرگونه اقدامات ظاهراً فریبانه بمنظور حداکثر بهره‌برداری به نفع مصالح خود از ماموریت هیئت اعرامی سازمان ملل متحد دریغ نخواهد کرد و اگر احساس نمایند که تشبثات آنها در این راه به نتیجه مطلوب نخواهد رسید از هیچ اقدامی برای محدود کردن فعالیت و احیاناً شکست ماموریت هیئت اعرامی فر و گذار نخواهند کرد.

با در نظر گرفتن مراتب بالا و با اینکه اعضای هیئت اعرامی تحت سرپرستی شما در اجرای ماموریت مهم بشر دوستانه خود دچار، تبحر و صلاحیت کامل دارند با این حال وظیفه خود می‌دانیم توجه شما را به چند پیشنهاد مشخص همده زیر جلب کنیم:

قبل از همه صدور اعلامیه‌ای از طرف شماست که هدف، ماموریت و چگونگی اجرای آن بیان گردیده است و پخش آن در برنامه‌های مختلف صدا و سیما جمهوری و درج آن در صفحات اول مطبوعات معتبر است تا مردم ایران بویژه خانواده‌ها و بازماندگان قربانیان رژیم از آن اطلاع حاصل نمایند.

ضرورت تامین و تضمین‌های مطمئن از طرف مقامات رسمی ایران برای:

آزادی تماس و رفت و آمد و اقامت هیئت اعرامی در تمام بیست و چهار ساعت شبانه‌روز، برای کسانی که قصد تسلیم شکایت کتبی، شفاهی، و یا شهادتی دارند. به‌نظر ما تماس مستقیم اعضای هیئت اعرامی با خانواده‌های قربانیان رژیم و سیله موثری در جهت کشف جنایات رژیم است.

آزادی کامل مسافرت برای بازدید کلیه زندانها و بازداشتگاهها در نقاط مختلف کشور، امکان تماس با زندانیان در هر ساعتی که اعضای هیئت بخواهند.

تامین و تضمین از تهدید هرگونه تعرض و دیگر اقدامات خصمانه بر علیه شاکیان هادی و زندانیان.

رژیم جمهوری اسلامی باید صورت کامل و تفکیکی زندانیان سیاسی و غیر سیاسی، محل و آدرس زندانها در نقاط مختلف کشور و مشخصات دیگر و تسهیلاتی که در ارتباط با حسن انجام ماموریت هیئت بازرسی کمیسیون حقوق بشر می‌باشد در اختیار آنها بگذارد. در این راستا مسافرت اعضای از هیئت به کردستان برای مطالعه چگونگی رعایت حقوق بشر بویژه بازدید زندانهای مناطق کردستان از اهمیت خاصی برخوردار است.

در پیوست فهرستی که شامل اسامی زندانیان سیاسی قتل هام شده سال قبل است از سوی خانواده‌های زندانیان سیاسی داخل کشور به خارج ارسال شده است تقدیم می‌گردد. رسیدگی به چگونگی این اعدامهای دسته جمعی و مطابقت آن با صورت تفکیکی داده‌های رژیم و رسیدگی به اختلافات احتمالی بین آنها یکی از تقاضاهای همده ما تشکیل می‌دهد. از شما تقاضا داریم با استفاده از نفوذ خود و براساس منشور جهانی اعلامیه حقوق بشر مسئولان جمهوری اسلامی را به اجرای موارد حداکثر زیر متعهد سازید:

۱- تامین آزادیهای فردی و اجتماعی حقوق بشر (آزادی بیان، تشکل و اجتماعات)

۲- جلوگیری از اعدام زندانیان سیاسی زن که برخی از آنها عتا ۸ سال است در شرایط غیر انسانی زندانهای رژیم اسیر هستند.

۳- لغو محاکمات و اعدامهای بی‌رویه در مورد کلیه جرائم.

۴- جلوگیری از فشار، ظلم و ستم بر اقلیت‌های مذهبی و ملی بویژه مردم کردستان

ما با امید و نگرانی در آرزوی اجرای موفقیت‌آمیز ماموریت بشر دوستانه شما هستیم.

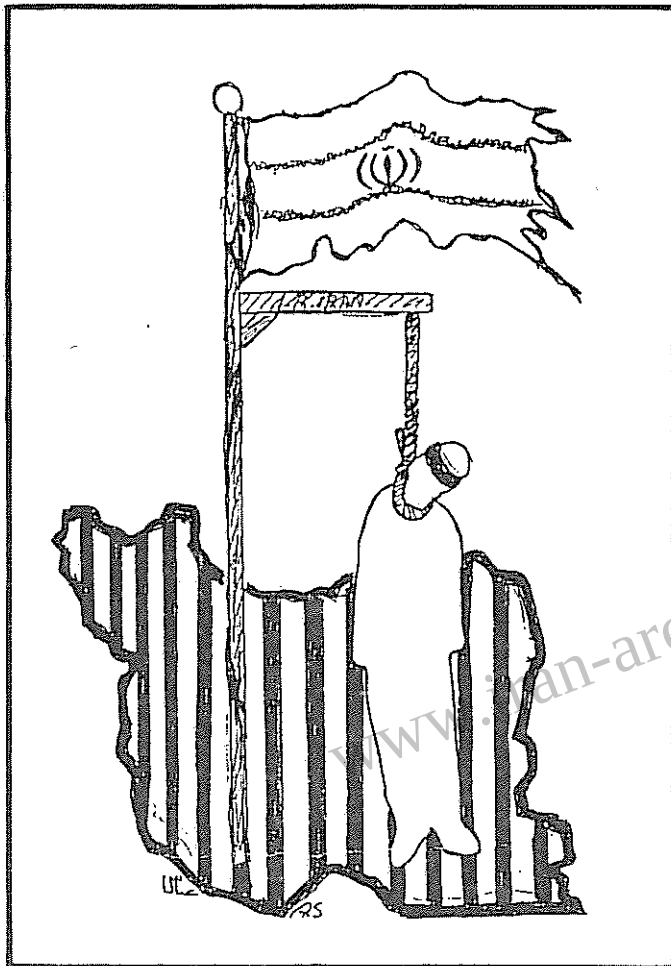
باجترامات

حزب دمکرات کردستان ایران
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)
حزب دمکراتیک مردم ایران

رساتر باد فساد اعتراض خلق علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام!

پیرامون سفر هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران:

برجنون جنایت و خودکامگی رژیم باید لگام زد!



کند پی‌جویی و بازدید کورهای جمعی بی‌نشان، این واقعیت را بر هیئت ویژه سازمان ملل آشکار خواهد کرد که جمهوری اسلامی پس از اعدام زندانیان، در صدد است حتی نام و نشان آنها را نیز محو و اعدام کند.

راست این است که بر تخلفات رژیم در عرصه حقوق بشر در ایران نام تخلف نمی‌توان نهاد. این "تخلفات"، جنایت است؛ بربریت است، انتظار ما این است که حاصل بازدید هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل از ایران بازتاب واقعی این جنایات در سازمان ملل، در جهان و سند محکومیت دیگری برای این رژیم جنایتکار و خودکامه باشد.

بنشیند، باید تضمین‌های کافی برای جان زندانیانی که با هیئت نمایندگی گفتگو می‌کنند در نظر گرفته شود تا جزئیات شکنجه‌ها و توهین‌هایی که به زنان زندانی روا داشته شده است، واقعیات تکان دهنده و حزن‌انگیز، کابوس اعدام زنان باردار، تراژدی خون‌بار زانی که برای ایستادن در برابر جوخه اعدام مجبور شدند پستان از دهان نوزاد شیرخوارشان ببرایند؛ زانی که ضجه‌های نوزادشان امانشان نداد تا که صدای شلیک جوخه اعدام را بشنوند. ... باید تضمین‌هایی فراهم شود تا کابوس توهین و تجاوز و جنایت از زبان زنان زندانی به هیئت ویژه سازمان ملل بازگو شود.

ما از "هیئت" انتظار داریم از گورهای جمعی بازدید

به سرقت اعتراف کرده بود قطع کردند، در بندر انزلی زن ۳۱ ساله‌ای را به اتهام "عمل خلاف هفت" سنگسار کردند و ...

هنرمندان و اندیشمندان همچنان در چنگال دوایر تفتیش و "ارشاد" اسیرند. آن که به اندیشیدن خطر می‌کند، دست‌بند و چشم‌بند و سلول و شکنجه و اعدام را باید انتظار کشد.

زنان که در نظام جمهوری اسلامی از نیمه مردان نیز کمترند، همچون گذشته در تهدید فشارها و خفقان‌های روزافزون به سر می‌برند؛ در هفته گذشته عده‌ای از زنان و دختران حزب الهی در حالی که زهرا مصطفوی، دختر خمینی رهبری‌شان می‌کرد علیه "بدحجابی" به تظاهرات پرداختند. آنها می‌خواهند زنان آزاده ایران را به زور وادار کنند تا آنگونه که فقها تکلیف می‌کنند، آنگونه که ارتجاعی‌ترین، عقب‌مانده‌ترین و متحجرترین اندیشه‌ها حکم می‌کنند، در محاق پوشش‌های اسلامی فرو روند.

ما از هیئت نمایندگی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل انتظار داریم:

* به ابعاد وسیع تخلفات و جنایت‌هایی که در زمینه حقوق بشر در ایران توسط جمهوری اسلامی صورت گرفته عمیقاً توجه کند.

* به ترندهای رژیم در مخفی نگاه داشتن اسرار مخوف جنایت‌های بی‌شماری که در زندان‌ها مرتکب شده توجه دقیق مبذول کند و برای دستیابی به لیست واقعی اسامی زندانیان از اطلاعات خانواده‌های زندانیان سیاسی مدد گیرد. در این رابطه با توجه به تجسّسات پلیسی رژیم، اختصاص یک شماره تلفن به هیئت نمایندگی و تضمین عدم کنترل این شماره برای آنکه خانواده‌های زندانیان سیاسی اطلاعات لازم را از این راه به هیئت نمایندگی ارائه دهند، روش موثری خواهد بود.

* بهتر است "هیئت" لیست کامل اسامی زنان زندانی سیاسی را تهیه کند و با آن‌ها که بسیاری‌شان بیش از ۷ سال است در زندان‌ها اسیرند از نزدیک به گفتگو

بقیه از صفحه اول

شود، به

هلاوه نباید فراموش کرد که رژیم یک بار در سال گذشته با کشتار وسیع زندانیان سیاسی جابه‌جایی اصلی را صورت داده است، با این همه، تمایل رژیم را برای هرچه بیشتر "مرتب" کردن اوضاع به نفع خویش، نباید نادیده گرفت.

از سوی دیگر، پرونسور رونالدو گالیندوپل نماینده ویژه سازمان ملل نیز به خاطر آنکه در اجلاس ۲۹ ژانویه (۹ بهمن)، گزارش "هیئت" را از ایران به سازمان ملل ارائه دهد با به تعویق انداختن سفر هیئت از جانب ایران، مخالفت کرد.

پیش از سفر "هیئت نمایندگی سازمان ملل" به ایران، نمایندگان برخی از سازمان‌های سیاسی ایران و از جمله سازمان مابه‌طور جداگانه با پرونسور گالیندوپل ملاقات کردند و اطلاعات لازم در این زمینه را در اختیار ایشان قرار دادند.

طی این مدت، رژیم اما، همچنان بر تخلفات آشکار خود در عرصه حقوق بشر در ایران ادامه داده است. خبرهایی که از زندان‌های جمهوری اسلامی می‌رسد حاکی از آن است که جان بیش از ۸۰ نفر از زنان زندانی را خطر اعدام تهدید می‌کند، رهب و وحشت، همچنان جو حاکم بر زندان‌های جمهوری اسلامی است. فضای سیاسی حاکم بر جامعه نیز فضای ارباب است و خفقان. احکام بیدادگاه‌های جمهوری اسلامی، همچنان وجدان ایرانیان آزاده و مردم جهان را به لرزه می‌افکند. رژیم، همچون همیشه، مرگ و کشتار را به عنوان تنها راه حل برخورد با مشکلات اجتماعی برمی‌گزیند؛ در همین هفته گذشته ۳۱ نفر به اتهام دست داشتن در قاچاق مواد مخدر به دار آویخته شدند. سه نفر را در تعاون در برابر چشمان حیرت‌زده مردم به جرم فساد اخلاق گردن زدند. بسیاری از کسانی که شاهد این صحنه فجیع بودند به حال تهوع افتادند، در یکی از شهرهای شمال ایران در برابر مردم، انگشتان دست فردی را که

میانجیگری دولت شوروی میان ایران و عراق

اجرای طرح مورد نظر دولت متبوعش به زودی به ایران سفر نماید گفت: طرح مزبور نباید به هیچ وجه خدشهای به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل وارد بکند و حرکت شوروی در حقیقت باید تقویت کننده وظایف و تلاشهای خاویر پرز دو کوئیار دبیرکل سازمان ملل برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ باشد که این نظر از سوی آنها نیز پذیرفته شده است.

لازم به تذکر است که تا کنون ۱۷ ماه از برقراری آتش‌بس و اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌گذرد و در این مدت ۱۵ دور مذاکرات صلح میان وزرای خارجه ایران و عراق با میانجیگری دبیرکل سازمان ملل و یا لیا سون نماینده ویژه وی صورت گرفته است.

خاطر نشان می‌گردد که ضمن اعلام خبر توافق دولت‌های ایران و عراق با برگزاری اجلاسهای مذاکرات صلح در مسکو، منابع دیپلماتیک در سازمان ملل ابراز داشتند که دبیرکل سازمان ملل که فعلاً از شوروی دیدن می‌کند قصد دارد در آینده نزدیک برای پیگیری مذاکرات به دو کشور سفر نماید.

با ادوار دشوار دنا دزه دیدار و گفتگو داشته است در ماه گذشته نیز مرتضی متکی معاون وزارت خارجه ایران با مقامات وزارت خارجه شوروی در مسکو گفتگوهای بعمل آورده است. در پایان ماه دسامبر نیز ولادیمیر گودف سفیر اتحاد شوروی در تهران با ولایتی ملاقات و صحبت کرده و در این مذاکرات پیام گارباجف درباره حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات ایران و عراق و یافتن راه‌حلهایی برای خارج ساختن مذاکرات صلح از بن‌بست موجود را به وزیر امور خارجه ایران ارائه داده است.

بعد از اعلام خبر توافق رسمی دولتین ایران و عراق با برگزاری اجلاسهای مذاکرات صلح ایران و عراق در مسکو و با مشارکت وزیر امور خارجه شوروی، ولایتی اعلام کرد که جمهوری اسلامی میانجیگری اتحاد جماهیر شوروی را برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به صورت اصولی و در راستای تلاشهای دبیرکل سازمان ملل متحد قبول می‌کند. ولایتی ضمانت‌فناش ساخت که این خواست یکسال پیش توسط مقامات شوروی به مقامات ایرانی اظهار شده است. ولایتی ضمن بیان این مطلب که قرار است وزیر امور خارجه شوروی برای تسریع در

بدنبال اعلام خبر "تاس"، خبرگزاری رسمی شوروی، مبنی بر برگزاری اجلاسهای وزرای خارجه ایران و عراق پیرامون صلح در مسکو، دولت‌های ایران و عراق نیز موافقت رسمی و اصولی خود را با برگزاری این اجلاس در مسکو با حضور وزیر امور خارجه شوروی اعلام داشتند. واعظی طبسی معاون وزارت امور خارجه ایران طی سفری به مسکو، در روز پنجشنبه ۲۱ دیماه در ملاقاتی با شوارندادزه مواضع رژیم ایران پیرامون برگزاری این اجلاس در مسکو را اعلام داشت.

لازم به تذکر است که دولت اتحاد شوروی بارها در طول جنگ هشت ساله خلیج خواستار برقراری صلح میان دو کشور گردیده بود. بنابه اظهارات مقامات دولت شوروی، این کشور یکی از تنظیم کنندگان اصلی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل بوده است؛ و بر پایه همین بیانات تا کنون میان مقامات دولت شوروی و مقامات دولت‌های ایران و عراق گفتگوهای متعددی پیرامون شکست بن‌بست مذاکرات صلح صورت گرفته است.

همین اظهارات حاکی است که طی سه ماه اخیر ناصر حیرانی سفیر ایران در شوروی سه بار

برقراری تورهای مسافرتی میان ایران و آذربایجان شوروی

با فراهم کردن مقدمات برقراری تورهای مسافرتی بین ایران و شوروی نیز روز شنبه هفته گذشته در اس‌هیتی وارد تبریز شد. ولایتی در این سفر با مسئولان استان آذربایجان شرقی تمهیدات فراهم شده در این استان برای پذیرش تورهای مسافرتی از شوروی را مورد بررسی قرار داده است. اخبار انتشار یافته در مورد نحوه رفت و آمد مسافران بین دو کشور که به شکل مسافرت گروهی بوده و هر بار ۱۵۰ نفر را شامل شده و حداکثر ۱۰ روز می‌تواند ادامه یابد به هیچ وجه پاسخگوی خواست مردم در دو سوی مرز ارس نیست و تلاش برای افعال کنترل کامل دولتی بر مسافرت بین دو کشور را نشان می‌دهد.

در تهران و مسکو اعلام گردید که میان مقامات وزارت خارجه دولت ایران و دولت اتحاد شوروی مذاکراتی پیرامون ایجاد امکانات و تسهیلات و ساده کردن تشریفات مربوط به صدور ویزا جهت سفر اهالی دو کشور صورت گرفته است.

در مسکو گفته شد علاوه بر مذاکرات واعظی معاون وزارت خارجه رژیم با ادوارد شوارندازه وزیر خارجه اتحاد شوروی، ملاقاتهایی نیز میان "چاپین" معاون وزارت امور خارجه این کشور و مسعودی مدیر اداره کنسولگری وزارت امور خارجه ایران جهت ساده کردن تشریفات مربوط به مبادله توریست میان دو کشور صورت گرفته است.

ولایتی وزیر امور خارجه رژیم در ارتباط

دعوت از بی نظیر بوتو برای سفر به ایران

بروجردی معاون وزارت خارجه رژیم در امور آسیا و اقیانوسیه در هفته گذشته به پاکستان سفر نمود.

سفر معاون وزیر خارجه حکومت اسلامی به پاکستان و مذاکرات وی پیرامون تحولات در افغانستان با مقامات این کشور در حالی صورت پذیرفت که معاون وزارت خارجه آمریکانیز در راس یک هیئت از مقامات نظامی و سیاسی این کشور جهت مذاکره با مقامات پاکستانی پیرامون مسائل افغانستان هفته گذشته وارد این کشور شد. این هیئت قبل از سفر به پاکستان با مقامات دولت عربستان سعودی در زمینه لزوم اتخاذ سیاستهای مشترک پیرامون تحولات افغانستان دیدار و گفتگو نموده بودند.

حکومت اسلامی با ارسال پیامی توسط فلامرزا فروش وزیر جهاد سازندگی برای بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان از وی برای انجام یک دیدار دوستانه از ایران دعوت بعمل آورد.

وزیر جهاد سازندگی حکومت روز دوشنبه هفته گذشته در راس یک هیئت از مقامات رژیم وارد پاکستان شد. گفته می‌شود هدف از سفر هیئت مزبور گفتگو پیرامون گسترش مناسبات تجاری دو کشور می‌باشد.

میزان حجم مبادلات بازرگانی میان دو کشور در سال گذشته ۴۵۰ میلیون دلار اعلام شده است. در ارتباط با گسترش مناسبات همه جانبه حکومت اسلامی با دولت پاکستان، هلال‌الدین

نمایش "هغو محکومین"

دادگاه‌های نظامی

حکومت در یک نمایش تبلیغی دیگر دایر بر هغو محکومیت دادگاههای نظامی اعلام کرد که کلیه سربازانی که به اضافه خدمت تا یک سال محکوم شده بودند مشمول هغو کامل شده و سربازانی که به بیش از یکسال اضافه خدمت محکوم شده اند، مدت آن به نصف تقلیل می‌یابد. حکم اخیر بر اساس نامه یزدی "قاضی القضاة" رژیم و موافقت "ولی فقیه" جدید حکومت صادر شده است.

در نامه یزدی از قول رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح رژیم گفته می‌شود که قبلاً نیز هده‌ای از محکومین دادگاههای نظامی بمناسبت میلاد پیغمبر مشمول هغو شده ولی محکومین به جرائم سبک مشمول هغو نگر دیده‌اند.

افرادی که اخیراً تحت عنوان محکومین دادگاههای نظامی توسط رژیم مورد "هغو" و "بخشودگی" قرار گرفته‌اند کسانی هستند که در طول سالهای جنگ جنایتکارانه خلیج حاضر به رفتن به جبهه‌ها نشده و ماشین جنگی آنها را فلج ساخته بودند. تعداد این افراد آن چنان زیاد است که رژیم هلیکوپتر فم تهدیداتی که قبلاً در جاری ساختن مجازات‌های سنگین علیه آنان و یا از دیاد خدمت وظیفه برای آنان مطرح ساخته بود ناچار گردید از تهدیدات خود عقب‌نشسته و به هغو این "محکومین" بپردازد.

اخاذی از داوطلبین کنکور



هلیز هم تنزل شدید سطوح علمی و آموزشی در دانشگاههای کشور، شمار کثیری از جوانان برای موفقیت در کنکور و ورود به مراکز آموزش عالی تلاش شبانه روزی می کنند.

پائین بودن ظرفیت پذیرش دانشگاهها نسبت به تعداد داوطلبان و تخصیص سهم قابل توجهی از این ظرفیت به نورچشمی های رژیم از یکسو، و نبود بازار کار و هدم جذب جوانان در هر صدهای دیگر فعالیت اجتماعی، موجب گشته است که داوطلبان کنکور برای موفقیت در آن، به هر خار و خشکی چنگ ببندازند. اینجااست که بازار باصطلاح موسسات "فرهنگی" و کلاسه های کنکور سکه می شود و انواع موسسات تعلیمی برای "تضمین" قبولی در پزشکی و مهندسی و در واقع برای اخاذی از داوطلبان، همچون قارچ بعد از باران، از هر گوشه و کناری سر بر می آورند و با آگاهی های شان در دیوار شهر را می آلاینند.

وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی در دوران حاکمیت فقها از زبان آمار

معادل ۱۵/۲ درصد نشان می دهد. برخلاف ادعای سران رژیم اتکای تولیدات کشور به منابع خارجی نه تنها کاهش نیافته بلکه افزوده شده است. آمار حاکی است که اتکای تولید صنعتی به منابع داخلی تنها در حدود ۳۰ درصد می باشد. به عبارت دیگر این رقم نشان دهنده این موضوع است که تولیدات صنایع کشور ۷۰ درصد به منابع خارجی متکی است. در زمینه بارآوری کار و تولید صنعتی گفته شده است بهره وری تولید صنعتی در سال های مورد نظر حدود ۳۰ درصد کاهش داشته است.

در زمینه فلاکت اجتماعی موجود نیز آمار، ارقام تکان دهنده ای را ارائه می دهند. مطابق آمار سرشماری سال ۶۵ در زمینه وضع مسکن اهلام شده است که بیش از ۲۰ میلیون از جمعیت کشور حداکثر در ۲ اتاق زندگی می کرده اند و حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون نفر از این گروه در خانوارهای بطور متوسط ۵ نفره بوده اند. حدود ۵ میلیون نفر که در خانوارهایی بطور متوسط ۴ نفره می باشند در یک اتاق زندگی می کرده اند و تمام نیازهای زندگی این افراد در همین فضا صورت می گرفته است. باید خاطر نشان شود تعریف اتاق مطابق آمار سال ۶۵، فضایی در ابعاد ۲ متر می باشد.

آمار مصرف در سال ۶۵ نیز نشان دهنده گسترش فقر و گرسنگی در کشور است. بر پایه این آمار حدود ۱۷ میلیون نفر از جمعیت کشور زیر خط فقر زندگی می کرده اند. خط فقر ارائه شده بر اساس کالاهای جیره بندی تعیین گردیده و هزینه غذایی براساس این کالاها حدود ۱۴۰ ریال در روز تعیین شده است. آمار حکایت از این دارد که در حدود ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور روزانه تنها ۶۰ ریال هزینه سرانه مصرفی داشته اند و ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر دیگر هم ۱۳۵ ریال هزینه سرانه مصرفی شان بوده است. قابل ذکر است که آمار فوق تنها مربوط به سال ۶۲ می باشد که هنوز هوارض منفی ناشی از تداوم جنگ ویرانگر بر وضعیت اقتصادی - اجتماعی کشور هویدانگر دیده بود.

آمار دیگری در همین زمینه نشان دهنده شدت یافتن اختلافات بین قطب های فقر و ثروت در جامعه در دوران حکومت "عدل پرور" اسلامی بوده است. تنها براساس آمار ارائه شده در سال ۶۳ در کشور حدود ۶۰ هزار خانوار وجود داشته اند که درآمد هر کدام بطور متوسط ماهیانه بیش از ۳۰ هزار تومان بوده است و این با توجه به ارقام ارائه شده در زمینه خط فقر بهیچ وجه قابل مقایسه نیست بخصوص که اگر در نظر داشته باشیم در فاصله سال ۶۳ تاکنون نه تنها این فاصله کاهش نیافته بلکه شدت بر اثر فعالیت بخش های انگلی جامعه تحت حمایت های پنهان و آشکار رژیم افزوده شده است.

آمار ارائه شده در "کتاب برنامه" منتشره توسط حکومت نشان دهنده وضعیت فلاکت بار اقتصادی رژیم و پس رفت اوضاع اقتصادی طی حاکمیت سیاه اسلامی در یازده ساله گذشته است.

بر اساس آمار ارائه شده تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۶۷ به قیمت ثابت حدود ۲۹۶۱ میلیارد ریال برآورد شده که این رقم معادل تولیدی است که در ۱۶ سال پیش در ایران وجود داشته است.

همین آمار حاکی است که رقم تولید ناخالص ملی سرانه در سال ۶۸ حدود ۵۰ هزار ریال یعنی معادل رقم مشابه مربوط به ۲۱ سال پیش می باشد.

ورشکست اقتصادی و ویرانی امر تولید در طی یازده سال گذشته در تمامی امور مربوط به حیات اجتماعی کشور اثر گذاشته است. آمار ارائه شده، بودجه سرانه تنظیم شده را ۱۲۰۰ تومان به قیمت ثابت ارزیابی می کند که مبلقی در حدود ۲۸۰۰ تومان کسری نسبت به همین رقم در سال ۵۸ را نشان می دهد؛ هزینه مصرفی سرانه نیز از حدود سالانه ۵۰ هزار ریال طی مدت یازده سال اخیر به سالانه ۳۰ هزار ریال کاهش یافته است.

در طی مدت فوق آمار بیکاری بشدت رویه افزایش گذاشته است. گفته شده است میزان بیکاران پنهان و آشکار در سطح کشور به حدود ۶ میلیون نفر بالغ می شود. بر این اساس حدود ۴۳ درصد از نیروی کار جامعه بیکار و یا دچار بیکاری پنهان است و این در حالی است که نیروی انسانی فعال کشور در حدود ۱۳ میلیون برآورد شده است. آمار فوق با توجه به جمعیت ۵۶ میلیونی کنونی نشان دهنده وضعیت فلاکت بار معیشتی خانواده های ایرانی است. با استناد به آمار فوق بار تکفل در جامعه ما چیزی در حدود ۸ نفر است یعنی هر نفر که در جامعه کار می کند بطور متوسط باید هزینه زندگی ۸ نفر را تامین کند که این آمار برای کشورهای پیشرفته حدود ۲ تا ۲/۲ می باشد.

در طی مدت حاکمیت "فقها" بیش از ۱/۲ میلیون نفر بر پایه آمار رسمی به تعداد بیکاران کشور افزوده شده است و این در حالی است که با توجه به میزان امکانات رژیم برای ایجاد اشتغال در سطح کشور و رشد بالای جمعیت بطور مداوم بر میزان رقم فوق افزوده می شود.

در طول دوران مورد بحث میزان اختصاص داده شده تولید برای تشکیل سرمایه به میزان نصف تقلیل یافته بطوریکه این رقم از حدود ۲۷ درصد به حدود ۱۴ تا ۱۵ درصد کاهش پذیرفته است.

صنعت کشور تنها طی سالهای ۶۲ تا ۶۷ سالانه به طور متوسط ۷ درصد کاهش تولید داشته است و این در حالی است که صنایع سرمایه ای کاهش

منتقدان ولایت مطلقه فقیه در معرض تصفیه و سرکوب

بقیه از صفحه اول

سران رژیم و وضعیت اقتصادی فلاکت بار آن بوده اما لبه تیز آن متوجه مشروعهیت و صلاحیت رهبری سید علی خامنه‌ای بوده است. طرح شعارهایی چون "ما اهل کوفه نیستیم، هلی تنها بماند"، "مرگ بر لیرال، مرگ بر ضد ولایت فقیه" در تظاهرات فرمایشی علیه منتظری نیز، در همین رابطه بوده است.

اما واکنش خامنه‌ای در پیامش به "نمایندگان مجلس و ملت" و نیز کارزار تبلیغاتی اخیر طرفداران او برای نمایش "وحدت صفوف بر مدار ولایت"، حاکی از آنست که قطع نظر از صلاحیت مذهبی خامنه‌ای، حدود اختیارات سیاسی او به‌مثابه رهبر نظام نیز از سوی طیف‌های معینی از حاکمیت مورد سؤال است. شماری از روحانیون بلحاظ مذهبی و در امور مربوط به فتوی و مرجعیت منتظری را صالح می‌شناسند. نامه ۱۲ تن از روحانیون و بیانیه‌های آنها در دفاع از منتظری، همدتا در این ارتباط بوده است. در مقابل، تلاش پنهان و آشکار رژیم برای زمینه‌سازی جهت حذف عنوان آیت‌اللهی منتظری و محروم کردن او از تدریس در حوزه‌های علمیه نیز در همین رابطه است. در مطبوعات رژیم نیز طی روزهای اخیر، عنوان آیت‌الله از جلوی نام منتظری هم‌داور داشته شده است.

در همین حال، بخش قابل توجهی از نیروهای درون حکومت، بلحاظ دایره‌های سیاسی، اقتدار مطلقه خامنه‌ای را بر نمی‌تابند. در این رابطه میتوان به تفاوت چشمگیری که بلحاظ مضمونی بین نامه‌ای که با امضای کمتر از ۱۳۶ نماینده مجلس در ستایش از خامنه‌ای نوشته شد با نامه‌ای که با امضای ۲۱۷ نماینده در هفته گذشته در مطبوعات رژیم منتشر شد، اشاره کرد. مضمون نامه اول

تصحیح و یوزش

در شماره ۲۸۹ اکثریت، در صفحه اول تاریخ انتشار نشریه اشتباه به چاپ رسیده است. تاریخ صحیح ۲۵ دی ماه می‌باشد.

دایره حکومت - اختلافات درونی را تعدیل نموده و منتظری را منزوی و از صحنه خارج کند.

مشکینی در نماز جمعه ۲۲ دیماه قم تصریح کرد که: "مجلس شورای اسلامی و حوزه علمیه البته باید محل برخورد نظرها باشد اما با فرض ورزی و حرکت بر علیه نظام و حکومت اسلامی، همانطور که دادستان محترم روحانیت اظهار داشتند باید با قاطعیت برخورد شود چرا که مردم ما اجازه نخواهند داد این نظام باین آسانی و با انجام چنین حرکت‌هایی از بین برود."

ری شهری، دادستان کل کشور، در روز شنبه گذشته بطور مشخص‌تر اعلام کرد که اعضای گروه مهدی هاشمی دوباره جان گرفته‌اند و دستگیر خواهند شد. و این می‌تواند از یورش‌ها و تصفیه‌های تازه‌ای علیه هواداران منتظری و در همین حال تسویه حساب‌هایی با طیف دیگری از نیروهای منتقد درون حاکمیت خبر دهد.

در این کشاکش، تعرض باند حاکم برای منزوی کردن منتظری، حکم خاکریز اول را دارد، تعرضی که در همین حال بطور بارزی مهر و نشان یک جنگ قدرت اعلام نشده میان باند‌های حاکمه را نیز بر خود دارد. تداوم و تشدید این منازعات نه تنها "الترام به ولایت فقیه" را در ذهن بخش‌های وسیع‌تری از پیروان امروز آن مخدوش می‌کند بلکه پایان سطره این رژیم بی‌آینده را نزد دیکتر می‌سازد.

این رابطه قابل درک است. او در پیامش به مجلس و ملت، هشدار داد که: "خداشه در الترام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خداشه در کلیت نظام است. و اینجانب اینرا از هیچکس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد!"

مقاماتی چون شیخ محمد یزدی، کروبی، ری شهری، مشکینی و حائری، پس از پیام خامنه‌ای، بر ضرورت دفاع از ولایت مطلقه فقیه، تبعیت از خامنه‌ای و پرهیز از پراکندگی صفوف امت حزب‌الله تأکید کردند و روشن بود که انگیزه این موضع‌گیری‌ها علاوه بر احساس خطر از جانب منتظری و هوادارانش، در نگرانی آنها از جانب طیف‌هایی از نیروهای درون حاکمیت نیز منشأ دارد.

خصوصیت تهاجم تبلیغاتی اخیر طرفداران خامنه‌ای آنست که از یکسو با تعرض و تهدید آشکار علیه منتظری و هوادارانش، رقبای نیروهای مخالف خود در درون حاکمیت - بویژه در مجلس را - که خواهان تضعیف اقتدار او هستند، بر جای خود بنشانند و یا لاقط مهار کند و از سوی دیگر با تأکید بر ضرورت وحدت صفوف مجموعه نیروهای حکومتی در برابر منتظری - به‌مثابه نیروی خارج از

مبنی بر اظهار خاکساری تملق‌آمیز نسبت به خامنه‌ای و تأکید بر اولویت مطلق و تام و تمام ولایت او بود و نامه دوم بیانگر پذیرش اولویت نسبی و مشروط مقام ولایت و در همین حال تأکید ویژه بر موقعیت مجلس بعنوان نهادی که "در راس همه امور است" و حق استیضاح دولت و نظارت بر کار ارگانها را دارد. و این مساله که بیش از هر چیز از تداوم جنگ قدرت در حاکمیت ناشی می‌شود، بیانگر وجود اختلاف در چگونگی ارزیابی از حد اقتدار ولی فقیه و درجه مطلقیت یا مشروطیت ولایت آن نیز هست. تأکید می‌کنیم که این کشاکش در وضعیت کنونی همدتا باز تاب جنگ قدرت است نه اعتقاد مخالفان به تعدیل ساختار استبدادی ولایت فقیه. اما از نظر رهبر نظام، این تمایلات بدلیل تأثیری که هملا در تضعیف و خدشه دار کردن اقتدار ولایت مطلقه فقیه دارد، با دیدگاه و عمل نیروهای که صلاحیت و مشروعهیت او را زیر سؤال می‌برند، دارای فصل مشترک‌های معینی هست. حساسیت خامنه‌ای در برابر هرگونه تمایلی که موقعیت مطلوب او را مورد تردید قرار دهد یا بنحوی مشروعهیت مقام او را به‌مثابه ولی امر خدشه دار کند نیز در

یادواره استاد ابوالحسن صبا

ابتکار کانون فرهنگ ایران (آوازه) و به همت دکتر محمود خوشنایم در آئینی تئاتر "پانته‌ئون" در شهر "بن" به اجرا درآمده بود که مورد استقبال دوستداران موسیقی اصیل ایرانی قرار گرفت. حضور گسترده هنردوستان ایرانی در این شب‌ها، بیانگر رشد روز افزون علاقه‌مندی دوستداران موسیقی اصیل و احترام به خلاقیت پیشگامان راستین آن است. "چراغ صافه" آن سحاب، روشن باد."

همکاران این برنامه بودند. قسمت اول برنامه با هنرنمایی شورآفرین رحمت‌الله بدیع‌پایان یافت. آنگاه "گروه نوا" قطعاتی از کارهای ماندگار استاد صبا (چهار مضراب، زنگ شتر، زرد ملیحه) را سرشار از تحرک و زیبایی اجرا کردند که با استقبال شورانگیز شنوندگان روبرو شد.

لازم به یادآوری است که این برنامه در ماه گذشته نیز به پاس ارج‌گذاری به ارزش‌های هنری استاد صبا با تصویرهایی از لحظات مختلف زندگی او به شکل اسلاید به

هفته گذشته در گرامی‌داشت مقام والای استاد ابوالحسن صبا در هر صحنه موسیقی ملی ایران و به مناسبت سی و دومین سال درگذشت او، کنسرتی با هم‌نوازی "گروه نوا" به سرپرستی مجید درخشانی و با همکاری شبکه تلویزیونی (WDR) آلمان فدرال به مدت دو شب در شهرهای "کلن" و "بوخوم" به اجرا درآمد.

علاوه بر "گروه نوا"، رحمت‌الله بدیع‌پایان نوازنده معروف ویلن و جمال سماواتی نوازنده و منتقد موسیقی از میهمانان و

جمهوری های قفقاز، در خطر يك جنگ داخلی

بقیه از صفحه اول

تصادف دور جدید خشونت ها و ناآرامی ها با قتل هام گروهی از ارامنه در شهر باکو پایتخت آذربایجان شوروی همراه بود. در این کشتارها حداقل ۵۰ نفر از ارامنه در خیابان ها و میادین شهر و یا در خانه های خود، توسط باندهای چند نفره جنایتکار به قتل رسیدند.

هم در جمهوری ارمنستان و هم در جمهوری آذربایجان گروه های بزرگی از مردم مسلح شده اند.

اوضاع به حدی متشنج است که خبرنگاران شوروی مقیم این مناطق با کلاه خود و جلیقه های ضدگلوله به پخش وقایع جمهوری های قفقاز می پردازند. خبرنگاران مزبور از وقوع جنگ هایی گزارش می دهند که در آن انواع سلاح های مدرن بکار برده می شود. گزارش شده است که گروه هایی در عملیات جنگی شرکت دارند که خود را به او نیفورم های ارتش شوروی ملیس کرده و به سلاح های اتوماتیک مجهزاند. مقامات دولتی در مسکو تعداد کشته شدگان این درگیری ها را بین ۴۸ تا ۶۰ نفر ذکر کرده اند. "جبهه خلق

آذربایجان" این رقم را تا ۳۵۰۰ نفر اعلام کرده است.

واحدهای ویژه وزارت کشور و میلپس پس از ساعت ها تلاش توانستند از گسترش ابعاد درگیری ها جلوگیری کنند. به دنبال آن قریب ۱۰۰۰ تن از ارامنه همدا زن ها و بچه ها از راه دریا و هوا به جمهوری ترکمنستان و مسکو انتقال داده شدند به دنبال این وقایع "وزیراف" دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان از کار برکنار شد. تاکنون قریب ۲۴۰۰۰ نفر از واحدهای ویژه وزارت کشور برای بازداشتن گروه هایی از مردم آذربایجان و ارمنستان که در واحدهای نظامی مسلح رو در روی یکدیگر ایستاده اند، به منطقه اعزام شده اند. این نیروها مجبور شده اند که در مناطقی به شکل مسلحانه بانبرو های متخاصم مقابله نمایند.

اکنون تجلی شونتیسیم افراطی و تخیلات بیمارگونه بویژه در جمهوری آذربایجان نمونه های تکان دهنده ای از آدمشکی و جنایت و بروز دشمنی ملی را به نمایش گذاشته است. بروز این حوادث بیانگر این امر نیز هست که دولت مرکزی در ارائه یک راه حل اصولی و به موقع در مقابل آن بخش

از خواسته های به حقی که این گرایشات و نیروهای افراطی بر بستر آن قدرت یافته اند، ناتوان بوده و کوتاهی کرده است. در این آشفته بازار و اوج گیری شونتیسیم و ناسیونالیسم کور، مسلمانان بنیادگرایان برای "شب کلاه" خود نمدی می جویند.

رژیم جمهوری اسلامی با حفظ احتیاط و داشتن هراس از هواقب گسترش احساسات ناسیونالیستی در این سوی ارس به سوء استفاده از وقایع اخیر در آذربایجان شوروی و مقتنم شمردن فرصت تبلیغ باورها و رژیم بی آینده خود پرداخته است. سردمداران جمهوری اسلامی هم خود را مصروف طرح و برجسته کردن انگیزه ها و جنبه های مذهبی در این رویدادها می کنند. علی خامنه ای حجت الاسلام چندماه پیش و رهبر کنونی "مسلمانان جهان" طی یک سخنرانی روز چهارشنبه هفته گذشته بر خیزش اسلامی مردم جمهوری های شوروی هم مرز ایران تاکید کرد.

گنادی گراسیموف در تلویزیون فرانسه اظهار داشت که منشأ نزاع های خونین در قفقاز همدا تنه "نوهی فئاتیسیم مذهبی پوشیده" بلکه اساسا یک

"ناسیونالیسم افراطی" و "نفرت ریشه ای" میان دو ملت است.

بنابه گزارش مطبوعات شوروی "محافل افراطی ایرانی" با ارسال اسلحه در درگیری های وقوع پیوسته مداخله کرده اند. روزنامه ایزوستیا گزارش داد که بر روی رود مرزی ارس پلهای چوبی متعددی بنا شده و تجارت اسلحه رواج گسترده ای دارد. هزاران نفر در مناطق نخجوان و جلال آباد مرزهای ایران و شوروی را از هر دوسو در نور دیده اند.

نخجوان که در چارچوب آذربایجان شوروی منطقه ای خودمختار است از شوروی اعلام استقلال کرد. دولت شوروی در این منطقه وضعیت فوق العاده نظامی اعلام کرد و از دول ایران و ترکیه و همچنین سازمان ملل متحد خواست که رسمیت مرزهای بین المللی را رعایت کنند.

آخرین خبرها حاکی است که با شرکت نمایندگان ارتش شوروی در مرز آذربایجان و ارمنستان، مذاکرات جبهه دفاع ارمنستان و جبهه خلق آذربایجان جهت برقراری آتش بس آغاز گردیده است.

گاسپاروف از باکو به مسکو گریخت

گاری گاسپاروف، قهرمان شطرنج جهان بخاطر قتل های ضد ارمنی در آذربایجان به اتفاق خانواده خود به مسکو گریخت. وی در مصاحبه ای با روزنامه اسپانیایی ال پاپس دولت شوروی را متهم به بی عملی کرد. گاسپاروف که فرزند یک مادر ارمنی و پدر یهودیست در این مصاحبه اظهار داشت که وی به همراه ۵۹ نفر دیگر به وسیله هواپیمایی که توسط دوستان او به باکو فرستاده شده بود به مسکو پرواز کرده اند.

گاسپاروف هنوز از تساوتهایی که در روزهای گذشته ناظر آن بوده مبهوت است. به گفته وی گارباچف نیز بخاطر مدارایی که نسبت به این تراژدی روا داشته مسئول می باشد.



تعداد زیادی از مردم آذربایجان و ارمنستان مسلحانه رو در روی هم ایستاده اند - عکس دو ناسیونالیست ترک مسلح را در لنکران نشان می دهد.

پاسخ دکتر لاهیجی به "کیهان هوایی":

قلم شما در خدمت ارباب زور و زور و ترور است

دکتر عبدالکریم لاهیجی "رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران" در تاریخ ۱۵ آذر ماه طی نامه مفصلی خطاب به مدیر "کیهان هوایی" سیاست و رویه این نشریه را در تخطئه مخالفان فکری و توسل به ارباب و ترور شخصیت مخالف مورداً نقد قرار داد. رونوشت این نامه برای چند نشریه ایرانی خارج از کشور، از جمله نشریه اکثريت ارسال شده است که مادر اینجانبان هائی از آنرا درج می کنیم:

مدیر کیهان هوایی
در پی انتشار سلسله مقالات اینجانب تحت عنوان "هغو بین الملل و جمهوری اسلامی ایران"، در نشریه "آزاده" ارگان جامعه حقوق بشر ایران، وعده کرده بودید که: "کیهان هوایی مستقلاً به مطالب آقایان پاسخ خواهد داد".

برای اینجانب دور از انتظار نبود که در مقام جواب، به جای پاسخگویی روشن و منجز، مطابق رویه معمولتان، مقادیری شعار و سنسمله و مقلطه و اجیاناً افترا و بهتان نسبت به مدافعان حقوق بشر، ردیف کنید. اما هرگز تصور نمی کردم که تافیه را چنان بازی که دست به دامان یک بیمار روانی شوید و از اباطیل و ترهات او چماقی برای اسکات و ارباب و ترور شخصیت اینجانب و چند تنی دیگر از مخالفان رژیم جمهوری اسلامی، تعبیه نمایید.

هرکس که از اندکی سواد، شعور و عقل سلیم برخوردار باشد، پس از خواندن مطلب دنباله داری که شما زیر عنوان "فرب جهنم پناهندگان" به نقل از "پادداشت های یک نویسنده پناهنده ایرانی درباره ماهیت حقوق بشر در فرب" در شماره های ۸۵۳ تا ۸۵۵ کیهان هوایی درج نموده اید در می یابد که بایک بیمار روانی و مبتلا به بیماری "پارانویا" سروکار دارد، موجودی که تمام دنیا را رقیب و دشمن خود می پندارد که در صدد ایدانواذیت او هستند و حتی قصد جان او را کرده اند و گوش خواننده اند که معتقدات و مقدسات او را از وی برابند!

... و اما پاسخ ماهوی - اینکه بارها و بارها به تعریض و کنایه از "فراریان" و "گریختگان" یاد می کنید، برای القاء این فکر است که شما و رژیم متبوع شما در موضع حقانیت قرار دارید و عده ای "به اصطلاح روشنفکر و لیبرال ایرانی،

که در ضدیت با انقلاب به خارج گریخته اند"، در موضع ناحق و باطل ...

لابد فراموش نکرده اید که مبدا تاریخ ما هجرت پیامبر اسلام است و او در تقابل با ارباب قدرت، که چون شما موضع خود و نقطه موضع خود را بر حق می دانستند و از این رو قصد جان او را داشتند، گزیری فیر از گریز نداشت.

بنابراین "فرار" فی نفسه نه ستوده است و نه نکوهیده و این انگیزه و داعی همل است که باید مبنا و ملاک داوری قرار گیرد. آیا هرگز از خود پرسیده اید که چنانچه این گروه "به اصطلاح روشنفکر و لیبرال ایرانی" همچون خیل هظیمی از بیش از یک میلیون ایرانی که در خارج از ایران بسر می برند، از مهرکه نگریخته بودند آیا سرنوشتی فیر از تیرباران، طناب دار، زجر و شکنجه و حبس و اظهار توبه و ندامت در "مصابحه های تلویزیونی" و در برابر ارباب مطبوعاتی چون شما، در انتظارشان بود؟

شما به نوشته تان عنوان "فرب جهنم پناهندگان" را داده اید. اما آیا هرگز از خود سؤال کرده اید که رژیم جمهوری اسلامی چه بر سر ایران و ملت ایران آورده که بیش از یک میلیون ایرانی، با استقبال خطرات و مشکلات گوناگون، تن به مهاجرت داده و به "جهنم فرب" پناهنده شده اند؟ آیا ضرب المثل "مارقاشیه" را به خاطر دارید؟ فراموش نکنید که این فاجعه برای اولین بار در تاریخ ایران اتفاق افتاده و هرگز مهاجرتی به این عظمت و در این تنوع اجتماعی - سیاسی در تاریخ ما سابقه نداشته است. موانع و مشکلات گوناگونی را که در راه خروج مردم ایجاد کرده اید بردارید، موج جدید مهاجرت را ملاحظه خواهید کرد.

مگر رژیم جمهوری اسلامی راهی فیر از مرگ و حبس و شکنجه

و یا ضرب و شتم و توهین مداوم و بالاخره گریختن برای اپوزیسیون باقی گذارد؟ آیا گروهی از این اپوزیسیون بوده که در روزنامه شما مورد طعن و لهن و تهمت و افترا واقع نشده باشد؟ آیا گروهی از این اپوزیسیون بوده که شما او را عامل و سرسپرده امپریالیسم و ضد انقلاب و مهدورالدم خوانده باشید؟

اشکال شما و رژیم متبوع شما در اینست که خود را نماینده و تنها نماینده حقیقت می دانید و این اشکال همه رژیم های توتالیتر است. بیش توتالیتر تحمل انتقاد و مخالفت و در واقع تنوع و تعدد فکر و عقیده را ندارد. در تفکر و بینش شما اساساً مخالف حتی ندارد زیرا که شما حقانیت خود را مطلق می کنید و هر که در تقابل با بینش شما، که تنها دارنده حقیقت است، قرار گیرد مطرود و منفور و محکوم است! در چنین زمینه ای از تحلیل است که شما به خود حق می دهید که مخالف را به هر نحو و صورتی از مهرکه خارج کنید: افترا، توهین، دشنام، ترور شخصیتی و یا ضرب و جرح و زجر و حبس و اعدام و ترور جسمانی آری این انسان هائی که برای حفظ جان و شرافت و حیثیت خود دست از همه چیز حتی میمن خود شسته اند، در دیار غربت هم از

گزند شما در امان نیستند؛ نه از گزند کماندوهای مرگ و آدمکشان حرفه ای شما و نه از تیر طعن و دشنام و بهتان و هتاکای قلمزنان شما. از شما بعید نیست که فردا به همین شخص یا دیگری مأموریت دهید که با گلوله ای به زندگی من خاتمه دهد ولی با شناختی که نسبت به گذشته سیاسی - اجتماعی اینجانب دارید می دانید که در قبال تهدید و شانناژ میدان را خالی نمی کنم که:

ناز پرورد تنعم نبرد راه به دوست
هاشقی شیوه رندان بلاکش
باشد

اما دهنوی آزادی و استقلال و عدم وابستگی به سرویس های امنیتی غرب و شرق و عدم سواستفاده و فارت ثروتهای ملی و بهره گیری از کمیسیون های فروش مخفیانه نفت و خرید اسلحه قاچاق را باید کسانی اقامه کنند که یکی از خونخوارترین و جبارترین و فاسدترین حکومت های تاریخ ایران را بر مردم ایران مسلط کرده و افتضاحاتی نظیر "ایران گیت" به بار آورده اند. کسانی که همی در راه استقلال و آزادی کشورشان گذارده اند و اکنون نیز در دیار غربت به سختی روزگار می گذرانند نه دستی بر هستی و ثروت مردم ایران داشته اند و نه در معاملات و سوداگری های بین المللی مداخله ای، تا شائبه وابستگی و سواستفاده و فساد درباره آنان برود.



نظری به مواضع آقای حسین نزیه پیرامون مسأله آذربایجان

کیهان لندن در شماره ۲۸۴ خود مقاله‌ای از آقای حسن نزیه را بچاپ رسانده است. مقاله به مناسبت وقایع اخیر "آذربایجان شمالی نگاشته شده و بیانگر مواضع آقای نزیه در این زمینه است. نظر به اهمیت موضوع و شعاع اثر این وقایع - که به حدود جغرافیایی معینی محدود نشده و نخواهد شد - نقد مواضع آقای نزیه در این خصوص، را ضروری دانسته و به بررسی مقاله مذکور می‌نشینیم. مقاله، مقدماتاً با اشاره‌ای به برخورد دورنگرانه لنین به مسأله "اقوام" زیر سلطه تزار و مدول بعدی استالین از عقاید لنین، به تضاد درباره جنبش دموکراتیک مردم آذربایجان در سالهای ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ می‌نشیند و می‌نویسد: "استالین... در صدد برآمد آذربایجان جنوبی را هم مانند آذربایجان شمالی از ایران جدا کند تا از این خطر محتمل که روزی مردم آذربایجان بخواهند به هموطنان خود در ایران پیوسته و به اصل اصیل خود و به اصل ایرانی بودن خود برگردند، پیشگیری کند."

تحلیل و ارزیابی از جنبش مذکور به‌توان توطئه‌ای از جانب استالین به استناد حضور و نقش ارتش سرخ در وقایع آن روزگار آذربایجان، تحلیلی غیر واقعی و بسیار محدود است. جهان در سالهای پایانی جنگ دوم و پس از آن صحنه اوج‌گیری بی‌سابقه جنبش‌های رهایی‌بخش و ملی بود. جنبش ملی و دموکراتیک در آن سالها مطلقاً به ایران و در ایران به آذربایجان محدود نبود. دهه ۲۰ در تاریخ ایران یک دهه طوفانی و پر جنب و جوش است. حرکت‌های دموکراتیک اوج‌گیر در آغاز این دهه، چه در میان خلقها و چه در میان لایه‌ها و طبقات مختلف جامعه ایران، حکایت از شکل‌یابی روندی دارند که در تداوم خود با جنبش مردم آذربایجان و کردستان اوج می‌گیرد و به نهضت ملی شدن نفت و روی کار آمدن دولت ملی دکتر مصدق می‌انجامد. اینها همه اجزا یک مبارزه واحد هستند و دموکراسی و رهایی ملی در جلوه‌های مختلف آن هدف مشترک تمامی آنهاست. در واقع این روند واحد از جمله از این ضعف اساسی نیز رنج می‌برد که هماهنگی و

همزمانی لازم در میان اجزاء آن بوجود نیامد، و همین ضعف در شکست تک تک اجزاء مذکور سهم موثری داشت. این نیز واقعیت تلخی است که در میان رهبران وقت حزب کمونیست اتحاد شوروی و بویژه رهبران حزب کمونیست آذربایجان شوروی تمایلات مختلفی از جمله تمایلات ارتجاعی، عظمت طلبانه وجود داشته است. اما این واقعیت بهیچوجه نمی‌تواند دستاویز تخطئه یک جنبش مردمی قرار گیرد. سیاق داوری اگر چنین باشد، دشوار بتوان در تمام تاریخ، جنبشی مردمی یافت.

اما آقای نزیه تنها به همین واقعیت تلخ اکتفا دارد و به‌همین سبب هم هست که حکم تلخی هم صادر می‌کند: "همه به خاطر داریم که (استالین) با چه هکس‌العمل و مقاومت افتخارآمیزی مواجه شد و چگونه مردم آذربایجان و سراسر ایران تمام رشته‌های وی و دست‌نشاندهانش را در فرقه دمکرات و حزب توده پنبه کردند."

در اینجا لشگرکشی شاه به آذربایجان و سرکوب جنبش مردم آذربایجان، که چنان که گذشت در شکست تمام جنبشهای بعدی مردم ایران در آن دهه بی‌تأثیر نبود، مقاومت افتخارآمیز مردم آذربایجان و سراسر ایران قلمداد می‌شود. باین وجود تا آنجا که پای تحلیل گذشته در میان است و این تحلیل هنوز سیاست آتی را رقم زده است می‌توان از نشان دادن "توطئه استالین علیه آذربایجان" و "مقاومت افتخارآمیز مردم آذربایجان و سراسر ایران" بجای "جنبش دموکراتیک مردم آذربایجان" و "لشگرکشی شاه به آذربایجان و سرکوب جنبش" "افاض" کرد. اما ابعاد قضیه محدود به این تحلیل و محصور در گذشته نیست. آقای نزیه پیرامون "ابعاد مسأله‌ای که پیش آمده است" می‌نویسد: "آذربایجان یک بخش لایتنجری ایران است و مردم آذربایجان در طول تاریخ به موجب اسناد موجود غیر قابل نفی و انکار، ایرانی بوده، ایرانی ماندند و به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. اکثریت قریب به اتفاق میلیون‌ها

آذربایجانی آن سوی مرز هم (منهای اقلیتی ماجراجو، جاه‌طلب و وابسته به‌زماندگان فرقه دموکرات) ... آرزو دارند روزی به ایران، سرزمین و وطن اصلی خود بپیوندند. هر ایرانی هم خود را شریک چنین آرمان و آرزویی می‌شمارد و امیدوار است سیاست‌مدارانه و تحسین‌آمیز گارباجف - مبنی بر آزادسازی اقوام - تا آنجا پیش رفته و پیروز شود که مفعده شهر قفقازیه هم که با قرارداد تحمیلی ترکمانچای از ایران جدا شده است به صاحب ذیحق و اصلی آن یعنی آقوش‌مادر وطن برگردد."

چنین جستجویی در "اسناد موجود غیر قابل نفی و انکار" متأسفانه جستجویی است ناموجه، فاقد واقع‌بینی نسبت به واقعیتهای و تحولات بین‌المللی و متضمن برخوردی غیر دموکراتیک به حقوق ملل و از جمله آذری‌ها. آقای نزیه مطالبه تجدید نظر در مرزهایی را دارد که بیش از ۶۰ سال از مهر آن می‌گذرد. جغرافیای سیاسی جهان در حال حاضر چهره‌ای کاملاً متفاوت با آنچه که حتی در آغاز همین قرن داشت دارد. تغییراتی که در این چهره بروز کرده و تبدیل به خطوط ثابت آن شده‌اند، در بسیاری موارد نیز مطلقاً خلعت "بازگشت به آقوش‌مادر وطن" را نداشته‌اند. مطالبه آقای نزیه دستلزم بازگشت این جغرافیا به حدود دو قرن پیش است.

یکسال و اندی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، هنوز صلحی تضمین شده میان ایران و عراق برقرار نشده است. چرا؟ قطع نظر از دلایل دیگر، به این دلیل اساسی نیز، که عراق خواهان تجدید نظر در مرز بین ایران و عراق است. اما اگر خواست عراق معقولانه نیست - که نیست - و پافشاری اش بر این خواست جنگ‌افروزانه است - که هست - به این اعتبار است که مرز بین این دو بر قراردادهای پذیرفته شده بین‌المللی استوار است. همچنین است مرز بین ایران و شوروی. و چنین است که مطالبه آقای نزیه ناموجه و فاقد واقع‌بینی نسبت به واقعیتهای و تحولات بین‌المللی جلوه می‌کند.

در اینجا لازم است نکته‌ای را

متذکر شویم. امروزه خواست جدایی از اتحاد شوروی در میان بعضی از جمهوریهای آن مطرح است و در روزهای اخیر طنین گسترده‌تری یافته است. سوال "آیا اتحاد جمهوریهای شوروی از هم خواهد گسیخت؟" نیز سوالی است که "نمی‌توان آن را نادیده گرفت" اما اینکه ما می‌گوئیم مطالبه آقای نزیه، به این دلیل که مطالبه‌ایست برای تجدید نظر در مرزهای بین ایران و شوروی، ناموجه و غیر واقع‌بینانه است آیا به این معنا نیز هست که پاسخ ما به سوال فوق منفی است و "برای موجه بودن" باید هم که منفی باشد؟ نه، الزاماً. مناسبات بین ایران و شوروی - یا هر دو کشور دیگری - مقوله‌ایست متفاوت با مناسبات جمهوریهای مختلف شوروی در چارچوب اتحاد شوروی. به نظر ما گسستن اتحاد جمهوریهای شوروی، صرف نظر از عواقب بین‌المللی آن، متضمن منافع مردم این یا آن جمهوری که اتحاد را می‌گسند نیست، اما این، و راهی که پس از گسست برگزیده می‌شود، امریست مطلقاً مربوط به مردم آن جمهوری. نه تابع علائق ما و نه تابع "اسناد غیر قابل نفی و انکار".

از همین روست که می‌گوئیم مطالبه آقای نزیه حاوی برخوردی غیردموکراتیک به حقوق ملل نیز هست. البته آقای نزیه از ذکر کلمه ملت و آذری برای مردم آذربایجان خودداری می‌ورزد و وجود آذربایجان را مقدم بر وجود آذریها تصویر می‌کند. از این‌ها که بگذریم چنانکه در تکه نقل شده از مقاله پیداست حق مردم "مفعده شهر قفقازیه" برای اینکه "اگر سیاست‌مدارانه و تحسین‌آمیز گارباجف... پیروز شود" و آنها "آزاد شوند" بتوانند دولت خویش را تشکیل دهند از آنها سلب شده و بدون توجه به گذشت نزدیک به دو قرن تاریخی کاملاً متفاوت بر آنان، چاره‌ای جز اینکه به "آقوش‌مادر وطن" برگردند برایشان باقی گذاشته نشده است. در دنباله مقاله این برخورد غیر دموکراتیک به تهدید نیز می‌انجامد: "... اما افرادی که با سونیت و خیال باطل به وجود آوردن آذربایجان مستقل و واحد را می‌طلبند، دشمنان استقلال و تمامیت ارضی ایران و ... به شمار می‌روند و مردم ایران

نظری به مواضع آقای حسن نریه پیرامون مساله آذربایجان

واقعیت، با صلابت، قلب رژیم را نشانه رفته است

بقیه از صفحه ۹

باید... در برابر افکار ارتجاعی این اقلیت... با قلم و قدم به مبارزه برخیزند... مبارزه با قدم هم یعنی لگدمال کردن.

مقاله در ادامه بدرستی بر سیاست ارتجاعی جمهوری اسلامی در قبال مساله که خود آنرا توسل "مزورانه به اسلام" توصیف می کند انگشت گذاشته و به نتیجه درست وظیفه سنگین تر مردم ایران در برابر ماجراجویی جمهوری اسلامی رسیده است. اما مقاله توجه نکرده است که سیاستی که در این باره بر قایل شدن "ذات ایرانی" برای این و آن ملت استوار باشد بی شبهات به سیاستی که خود از آن انتقاد می کند از کار در نخواهد آمد.

آقای نریه مقاله خود را با پیام کوتاهی به "آذربایجانیان آنسوی

مرز" به پایان می برد، که آن نیز از هدم واقع بینی مصون نیست. در همین حال کوششی است برای ارائه تصویری واقعی از رژیم جمهوری اسلامی به مردم آذربایجان شوروی. تصویری که هنوز از دید آنان دور نگهداشته شده است. علاوه بر این پیام آقای نریه از مردم آذربایجان شوروی دعوت کرده است که "از روی مسافرت و دیدار بستگان و هموطنان ایرانی را به پس از سرنگونی جمهوری اسلامی" موکول کنند. دعوتی که متین به نظر نمی رسد.

کوتاه سخن اینکه متاسفانه در مواضع بیان شده در مقاله کمتر نشانی از واقع بینی، دموکراسیسم، ملی گرایی و درایت سیاسی می توان یافت.

توافق نامه های اقتصادی - تجاری میان

اتریش و ایران

بک " و صادرات کالاهای غیر نفتی ایران به این کشور صورت خواهد پذیرفت.

باید خاطر نشان نمود که ملی ماهی اخیر مناسبات میان دولت اتریش و ایران بواسطه اظهارات برخی مقامات دولتی این کشور پیرامون قتل دکتر عبدالرحمان قاسملو و یارانش که آنرا منسوب به هوامل جمهوری اسلامی می دانستند تا حدودی تیره گشته بود. مقامات امنیتی و پلیس اتریش در ماههای گذشته اعلام کرده بودند که شواهد انکار ناپذیری دال

بر شرکت هوامل مستقیم جمهوری اسلامی در جریان قتل دکتر قاسملو وجود دارد و به همین خاطر در ماه گذشته ساختمان سفارت ایران در وین بطور کامل در محاصره پلیس اتریش قرار گرفته بود و عناصری که به ساختمان سفارت رفت و آمد داشته اند مورد بازرسی و بازپرسی قرار گرفته بودند بطوریکه این موضوع باعث گردید که از طرف وزارت خارجه حکومت اسلامی اعتراضیه ای صادر شود.

توافق های اخیر مقامات اقتصادی دو کشور و اشاره به افزایش حجم مبادلات بازرگانی طرفین در ماههای اخیر بر انجام توافق هایی پیرامون مسکوت گذاردن جنایت قتل دکتر قاسملو نیز دلالت دارد.

بدنبال سفر یک هیئت اقتصادی اتریشی به ایران یک توافق نامه همکاریهای اقتصادی و تجاری میان دو کشور با مضامین رسید.

معاون وزیر صنایع حکومت ضمن اشاره به تحرک اخیر مناسبات اقتصادی و تجاری ایران و اتریش اعلام کرد هیئت اقتصادی اتریشی با پیشنهادات ایران در مورد تضمین و تثبیت مناسبات اقتصادی و تجاری دو کشور و استفاده از روش "بای بک" در مناسبات اقتصادی موافقت نموده است.

مدیر عامل سازمان صنایع ملی ایران نیز در خصوص همکاری های دو کشور گفت: "... جمهوری اسلامی مایل است در زمینه صنایع، معادن با استفاده از ظرفیت های صنایع ایران و همچنین تحصیل و آموزش با اتریش همکاری کند، که مورد موافقت هیئت اتریشی قرار گرفت.

در پایان دیدار هیئت اقتصادی اتریشی از ایران بر مبنای توافق نامه طرفین اعلام شد که دولت اتریش در زمینه صنایع کاذب سازی، متالوژی، شیمیائی و پتروشیمی و خصوصاً در زمینه همکاری در طرح های اقتصادی و بازاری موجود در برنامه پنج ساله دولت مشارکت خواهد کرد و همکاری های صنعتی به روش "پرداخت دراز مدت" و "بای

بقیه از صفحه آخر

در تابستان و پائیز گذشته را ارائه کردیم که متاسفانه به اجرا در نیامد.

ما هم اکنون نیز بر ضرورت ایجاد چنین کمیسیون ها و جمع های تخصصی در این زمینه تاکید داریم. در چنین صورتی هم می توان با وسعت و تاثیر گذاری بیشتری این جنایت تاریخی حکومت اسلامی را افشاگر دو هم از انتشار لیست های نادقیق جلوگیری کرد.

اخیراً از سوی انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، لیستی شامل اسامی ۱۳۴۵ تن از زندانیان سیاسی اعدام شده در فاصله ملی به نقل از نشریه "بانگ رهایی" نشریه کانون حمایت از زندانیان سیاسی - داخل کشور، منتشر شده است. شماره مزبور نشریه "بانگ رهایی" از قریب سه ماه پیش به خارج از کشور نیز راه یافت. این لیست نواقص لیست های اولیه منتشر شده در خارج از کشور را که از طریق آنتن های فرستنده های رادیویی در سطح میهن نیز گسترش یافت داراست. قابل تصور است که مبارزین در داخل کشور امکان تحقیق در مورد صحت همه اسامی و خبرهایی را که از طرق مختلف دریافت می دارند، ندارند. در این راستا اشتباهات احتمالی خبرها و گزارش های پراکنده ای که از مبارزین سیاسی داخل و خانواده های اعدام شدگان و... در خارج از کشور جمع آوری

شده و به آگاهی مردم رسانده شده اند، در سطح جامعه منتشر شده و مجدداً در گزارش ها و بولتن های نشریات داخل کشور بازتاب می یابند. به همین دلیل انتشار لیست نادقیق "بانگ رهایی" توسط حزب دموکراتیک مردم ایران، بدون تدقیق آن را قابل انتقاد می دانیم. کمترین زیان ارائه فهرست های نادقیق این است که به رژیم تبعکار جمهوری اسلامی این امکان را می دهد که با اتکا به وجود چند نام غیر واقعی و اشتباه در لیستی که حداقل نام هزار تن از قربانیان این تبعکاری بی سابقه را شامل است. برای پوشاندن جنایت خود به مانورهای تبلیغی دست زند.

به همین گونه است ارائه آمار صد و چند هزار نفره از سوی سازمان مجاهدین خلق در مورد تعداد زندانیان سیاسی که خود به یک ضد تبلیغ بدل شده و بی باوری برخی محافل بین المللی به آن همه جنایات رژیم و خیل عظیم زندانیان سیاسی و اعدام شدگان را به دنبال می آورد. آیا رقم کشتار چند هزار زندانی سیاسی فقط در فاصله سال گذشته و تعداد واقعی زندانیان سیاسی خود به حد کافی افشاگر رژیم تبعکار و خونریز آخوندهای حاکم نیست؟

واقعیت در تمامیت خود و با صلابتی کوبنده مستقیماً قلب جمهوری اسلامی را نشانه رفته است.

"طلایه داران عفاف"

بقیه از صفحه آخر

جمعیت های وابسته به آنها آگاهند. آنها به این واقعیت پی برده اند که رژیم فقط تحت پوشش جنجال تبلیغاتی علیه فساد و فحشا، حقوق و آزادی های اولیه فردی اجتماعی و انسانی آنان را نشانه رفته است. زنان ایران بر این امر واقفند که هامل فساد واقعی و دامن گستر در جامعه پیش از آنکه به هواملی مانند شاهه فرهنگ غربی مربوط باشد ره آورد حکومت ارتجاعی و فساد پرور آخوندها و نتیجه جنگ خانمانسوز هشت ساله آنهاست.

برگزاری "طلایه داران عفاف" در این مقطع زمانی و در گیرودار کشمکش های جناح های رقیب حکومتی هدف اساسی دیگری را

نیز دنبال می کند. جناح تندرو با فعال کردن جمعیت اسلامی زنان و هلم کردن دختر خمینی در پی آن است که اهرمی کارا و بالهفل در جنگ قدرت علیه رقیب دست و پا کند. حمایت گروه های متعلق به جناح تندرو از این اقدام و مضمون قطعنامه راهپیمایی موید این امر است. پیشگیری از تحریف در آثار و اندیشه های خمینی و مقابله با ورود آنچه که فرهنگ مبتذل غرب و بدحجابی خوانده می شود دوبند مهم قطعنامه "طلایه داران عفاف" هستند که سیاست های جناح رقیب را هدف گرفته اند.

در این میان آنچه که از این بندازیها هاید مردم و به خصوص زنان میهن ما می شود تضییقات فزاینده و ضایع شدن هر چه بیشتر حقوق اولیه آنهاست.

کنفرانس ۲ روزه پاریس پیرامون مساله کامبوج

بزرگ جهان هنوز تردید وجود دارد.

تا کنون یکی از رهبران نیروهای اپوزیسیون، سون سان، با طرح استرالیا اعلام موافقت کرده است، در حالی که این طرح توسط خمرهای سرخ رد شده است.

قرار است در ماه فوریه مجدداً مذاکرات صلح در جاکارتا، پایتخت اندونزی، برگزار شود. هون سن، نخست وزیر کامبوج، در شهر هوشی مین (سایگون سابق) آمادگی خود را جهت شرکت در این مذاکرات اعلام کرد. در مذاکرات مزبور، دولت کامبوج، ائتلاف مقاومت، کشور هون سان و فرانسه، لائوس و ویتنام شرکت خواهند کرد.

مطالبه می‌شد مشارکت همه احزاب درگیر، از جمله خمرهای سرخ را، در یک حکومت گذار تا انجام انتخابات مد نظر قرار می‌داد. سیهانوک طی نامه‌ای به انتقاد از تصمیم پنج کشور پرداخت و اظهار داشت قدرتهای بزرگ دیگر خواهان پذیرش نقش رهبری وی در کامبوج نیستند. وی کشورهای غربی - به خصوص فرانسه - را متهم کرد که در جهت شکست ائتلاف سه‌گانه تحت رهبری وی تلاش می‌ورزند. سیهانوک به همراه جریان مائوئیستی خمرهای سرخ و جریان ناسیونالیستی سون سان علیه دولت کامبوج مبارزه می‌کند. به این ترتیب در مورد تحقق موارد توافق در کنفرانس ۵ کشور

پیش‌برد، بر مبنای این طرح کشور کامبوج که اکنون بر اثر جنگ داخلی دچار تشتت و پراکندگی است تا انجام انتخابات آزاد تحت اداره سازمان ملل متحد قرار می‌گیرد. پس از آنکه جمهوری خلق چین نیز برای سازمان ملل "نقشی بسیار با اهمیت" تأیید شد، چشم‌انداز توافق میان ۵ کشور عضو شورای امنیت - لائوس، بر روی کاغذ - روشن شد. به این ترتیب وزاری خارجه کشورهای مزبور موافقت کردند به منظور حل مساله کامبوج تا انجام انتخابات آزاد در این کشور بطور موقت اداره امور به همدیگر سازمان ملل متحد واگذار شود. وزیر خارجه فرانسه در این خصوص اظهار داشت اندیشه حکومت همه احزاب در کامبوج متعلق به گذشته است.

اندیشه مزبور که تا قبل از کنفرانس اخیر مورد پشتیبانی چین و آمریکا قرار داشت و از سوی سیهانوک

رونالد دوما، وزیر خارجه فرانسه، در کنفرانس دو روزه کامبوج که با شرکت ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد در پاریس برگزار شد گفت: باید اکید از بازگشت خمرهای سرخ به قدرت ممانعت کرد، باید با همه وسایل ممکن راه حلی برای پایان جنگ جستجو کرد. وی خاطر نشان ساخت فرانسه با احیای سیادت رژیم پل پوت در پنوم پن سر سازگاری نخواهد داشت. فرانسه که تا کنون از سیهانوک، رهبر "ائتلاف مقاومت"، حمایت می‌کرد، با انتقاد هلنی از خمرهای سرخ برای نخستین بار از سیهانوک فاصله گرفت.

کنفرانس پاریس که با مشارکت وزرای امور خارجه آمریکا، شوروی، چین، انگلستان و فرانسه برگزار شد مباحثات خود را بر محور طرح دولت استرالیا برای پایان جنگ داخلی در کامبوج به

انتخابات در جمهوری دموکراتیک آلمان و سیاست

آلمان غربی

مسیحی‌ها و سوسیال مسیحی‌ها نمایندگان حزب لیبرال و حزب سوسیال دموکرات جمهوری فدرال آلمان نیز اپوزیسیون جمهوری دموکراتیک آلمان را فرا خوانده‌اند که برای شکست دادن حزب متحده سوسیالیست اختلافات خود را کنار نهند. اکنون فضای روابط دو آلمان بر اثر سیاست‌های هوافضایی و مداخله جویانه آلمان غربی به تیرگی گراییده است. تبلیغات سیاسی تحریک آمیزی که اکنون در آلمان غربی به نمایش گذاشته می‌شود دلایل روشنی دارد حزب نوسازی شده متحده سوسیالیست - سوسیالیسم دموکراتیک برای خود جاباز کرده است. دولت مدرو قدم به قدم به پیش می‌رود. انتظارات ارتجاعی دولت آلمان غربی مبنی بر انزوای حزب متحده سوسیالیست در میان مردم به تحقق نپیوسته است. در چنین اوضاعی استراتژی‌های سرمایه‌داری چاره را در متشنج کردن فضا دیده‌اند. بوق و کرنا می‌زنند. دستگاه تبلیغاتی آلمان غربی علیه نضج یک فضای واقعا دموکراتیک برای برگزاری انتخابات و تلاش قرب جهت مسموم کردن فضای سیاسی در جمهوری دموکراتیک آلمان، مفهوم دموکراسی ادعائی آنان را آشکارتر می‌کند.

دخالت احزاب سیاسی دست راستی جمهوری فدرال آلمان در امور داخلی جمهوری دموکراتیک آلمان ابعادی سابقه‌ای یافته است. در آستانه انتخابات در آلمان دموکراتیک همه پرده‌ها فرو می‌ریزند. بعنوان نمونه، درگر، رهبر فراکسیون دموکرات مسیحی، گفته است که: آماده است در کارزار انتخاباتی جمهوری دموکراتیک آلمان شرکت نماید. وی مشارکت در این انتخابات را مهمتر از رهبری یک مبارزه انتخاباتی در یکی از جمهوریهای آلمان فدرال قلمداد کرد. درگر هیچگونه شکی پیرامون هدف خود از شرکت در کارزار انتخاباتی در آلمان دموکراتیک باقی نگذارد: او صریحاً خواستار ایجاد "یک آلمان واحد عضو پیمان نظامی ناتو" شد.

تنو وایگل، رهبر حزب فوق محافظه کار سوسیال مسیحی آلمان غربی، در مصاحبه‌ای با روزنامه "دی ولت" گفت خطر برای دموکراسی در جمهوری دموکراتیک آلمان نه از جانب راست بلکه از جانب "سوسیالیسم رادیکال" حزب متحده سوسیالیست آلمان برمی‌خیزد. اکنون اغلب روزنامه‌های آلمان غربی نمایشگر هجوم هیستریک به دولت جمهوری دموکراتیک آلمان می‌باشند. علاوه بر دموکرات



خیابان‌های پانامای اشغال شده؛ قرقگاه تروریست‌های دولتی ایالات متحده و قتلگاه مردم بی‌دفاع

واقعیت، با صلابت، قلب رژیم را نشانده رفته است

"طلایه داران عفاف"

است، طی مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان اعلام کرد که برگزاری این راهپیمایی سرآغاز برنامه منصل و گسترده‌ای است که این جمعیت برای پیاده کردن احکام اسلامی در جامعه اهرم از اصل و فرع طراحی کرده است. وی اضافه کرد که از تمام مسئولان کشور از جمله خامنه‌ای خواسته شده است که ضمن معرفی نماینده با آنها همکاری نمایند.

"طلایه داران عفاف" چماق جدیدی است برای تشدید تضييقات و تحمیلات ارتجاعی رژیم آخوندی علیه زنان میهن ما. هلیزیم تشدید جو خفقان و فشار علیه مردم بویژه زنان، آنها طی مقاومت دهساله خود نشان داده‌اند که تسلیم خواسته‌ها و تراوشات ذهن عقب‌مانده فقها نشده و بر پوچ بودن تبلیغات سران رژیم و

بقیه در صفحه ۱۰

روز جمعه ۲۲ دی ماه تظاهراتی از طرف زنان "محجبه" به دعوت جمعیت زنان جمهوری اسلامی در خیابان‌های تهران به راه افتاد. تظاهرکنندگان ضمن دادن شعار علیه هرگونه "فساد، بدحجابی و بی‌بندبازی" در جامعه نسبت به شاه "فرهنگ مبتذل غربی" در میان زنان هشدار دادند!

این راهپیمایی که تحت عنوان "طلایه داران عفاف" برگزار شد از جانب محافل و نهادهای مختلف از جمله دفتر تحکیم وحدت و سازمان تبلیغات اسلامی مورد پشتیبانی قرار گرفت و همزمان با آن شهرهای دیگر از جمله شهرری، نیشابور و بوشهر شاهد تظاهرات دستجاتی از زنان با مضمون مشابه بود.

خانم زهرا مصطفوی، دختر خمینی که موسس و دبیرکل جمعیت زنان جمهوری اسلامی

که در انتشار ضرورتا پرستاب اسامی زندانیان بر دار شده، بخاطر اختناق حاکم بر کشور، اشتباهاتی هم رخ خواهد نمود. اشتباهاتی چون ذکر یک مورد به دو یا چند شکل، درج غیر دقیق یک نام و حتی ذکر نام زندگانی در میان اعدام شدگان. گذشت زمان نشان داد آخرین لیست تکمیل و تصحیح شده منتشره از سوی نشریه اکثریت که نام ۷۶۰ تن از زندانیان اعدام شده در فاجعه کشتار همگانی زندانیان سیاسی را شامل می‌شد، متأسفانه کمتر از انگشتان یک دست اشتباه (از نوع مورد آخر) داشت و همه آن همیزان به دست رژیم جلا د جمهوری اسلامی اعدام شده‌اند. از همان زمان آشکار بود که می‌بایست برای جمع‌آوری نام همه قربانیان فاجعه ملی که رتعی معادل چندین برابر اسامی منتشره را شامل می‌شود، و تبدیل هر نام به یک پرچم، کاری تحقیقی و از روی فرصت نیز صورت گیرد. ما پیشنهاداتی برای تشکیل کمیسیون‌های مشترک متشکل از نمایندگان کلیه نیروهای سیاسی ایرانی برای مبادله، تدقیق و جمع‌آوری اطلاعات لازم در مورد زندانیان کشتار شده بقیه در صفحه ۱۰

در تابستان و پاییز سال گذشته جمهوری اسلامی یکی از خونفک‌ترین جنایات تاریخ زندگی ننگین ده ساله‌اش را به انجام رساند. چند هزار زندانی سیاسی در کشتاری همگانی بخاک افکنده شدند. داغ از دست دادن دلیرتین و شریف‌ترین فرزندان این آب و خاک جراحاتی التیام ناپذیر بر قلب مردم نهاد. آن زمان در اوج کشتار، مانیز ابعاد گسترده این جنایت را نمی‌توانستیم باور کنیم. اما نام‌ها و عکس‌ها و خبرها راه گریزی برایمان باقی نگذاشت. دم به دم اخبار جدید و اسامی جدید، باید ابعاد فاجعه را به جهانیان می‌نمایانیم. می‌خواستیم جهانیان باور کنند که در کشور ما جنایتی بوقوع پیوسته است که پس از سقوط فاشیسم هیتلری کم سابقه بوده است. باید می‌کوشیدیم - اگر می‌شد - باقیانده‌ها را نجات داد و بهمین منظور می‌بایست با شتاب اسامی زندانیان سیاسی قتل عام شده را انتشار داد تا مستند افکار عمومی مردم جهان را - که به خاطر فاصله بسیار منش و ذهنیت بشر متعذر کنونی از این توحش قرون وسطایی، بسیار ناباورانه به این واقعه می‌نگریست - از حق فاجعه مطلع کرد. و می‌دانستیم

شورشیان افغانی از جنگ خسته شده‌اند

کرده و یا بشدت کاهش داده‌اند. گزارش‌های خبری حاکی است که افراطیون مسلح افغان در آخرین تهاجم مسلحانه گسترده خود به منطقه خوست در هفته اخیر، با متحمل شدن تلفات سنگین (متجاوز از ۵۸۵ کشته) ناگزیر از عقب‌نشینی شده‌اند. این آزمون تلخ یکبار دیگر به نیروهای افراطی مسلح نشان داده است که مساله افغانستان راه حل نظامی ندارد. تحولات جمهوری افغانستان طی ماههای اخیر، همچنین، دولتهای غربی را نیز بر آن داشته است تا چشم خود را بروی واقعیت بگشایند. پس از گشایش سفارت فرانسه در کابل، اکنون، دولتهای ایتالیا و آلمان نیز در صددند تا با گشایش مجدد سفارتخانه‌های خود در کابل، مناسبات خویش را با جمهوری افغانستان هادی سازند.

طبق اطلاعات و برآوردهای موجود از زمان خروج نیروهای شوروی از افغانستان، در حدود ۷۰ درصد شورشیان افغانی به نبرد علیه دولت افغانستان پایان داده‌اند. سخنگوی وزارت امور خارجه افغانستان نیز اخیراً طی اظهاراتی، شمار تقریبی نیروهای افراطی مسلح را که همچنان به درگیری‌های مسلحانه ادامه می‌دهند، ۳۰ الی ۴۰ هزار نفر اعلام کرده است. طی ماههای اخیر صدها تن از فرماندهان مسلح مخالف دولت، با مقامات رهبری کشور تماس حاصل کرده و به نشانه ابراز حسن نیت نسبت به فراخوان مصالحه ملی به جنگ پایان داده‌اند. در محافل سیاسی واشنگتن نیز اکنون گفته می‌شود که چهار پنجم فرماندهان محلی "مجاهدین" در داخل کشور عملیات جنگی خود را متوقف

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "کار"
۱۳ مارك	۱۱ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۲۴ "	۲۱ "		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه "اکثریت"
۳۰ مارك	۲۷ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۵۸ "	۵۲ "	☐ يك ساله	☐
۱۱۵ "	۱۰۲ "		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 290
MONDAY, 22. Jan 90

حساب بانکی:
AUSTRIA WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید